

زیارت اربعین از دیدگاه فقه

نویسنده: حجت‌الاسلام رضا عندلیبی

فصل نامه فرهنگ زیارت، ش ۲۷

چکیده

تردیدی در استحباب موکد داشتن زیارت امام حسین علیه السلام وجود ندارد؛ اما استحباب زیارت حضرت در روز اربعین به‌طور ویژه، به تحلیل دقیق فقهی احتیاج دارد؛ هرچند زیارت اربعین از جنبه‌های مختلف تاریخی، سیاسی، اجتماعی و... در کتاب‌ها و مقالات متعدد مورد بررسی قرار گرفته است، اما جنبه فقهی آن کمتر مورد توجه قرار گرفته است. از این رو در این مقاله، سه مبحث حکم اصل زیارت اربعین، حکم پیاده‌روی در زیارت امام حسین علیه السلام و حکم پیاده‌روی اربعین به‌طور ویژه، مورد بررسی قرار گرفته است. پس از بررسی ادله گوناگون، به‌ویژه روایات و تحلیل سندی و دلالتی آنها، استحباب زیارت اربعین به‌طور ویژه و افضلیت زیارت پیاده بر زیارت سواره بررسی شده است. همچنین در پایان، رجحان و فضیلت پیاده‌روی اربعین - بر فرض عدم تمامیت ادله در دو مبحث گذشته - به حکم ثانوی و از باب تعظیم شعائر، ایجاد خشم در دشمنان، مصداق عزاداری بر امام حسین علیه السلام یا تبلیغ اسلام ناب محمدی صلی الله اثبات شده است.

مقدمه

در مورد اینکه زیارت حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام از مستحبات مؤکد است و رجحان و فضیلت و تاکید استحباب آن از ضروریات مذهب شمرده شده است، تردیدی وجود ندارد؛ حتی از فرمایشات برخی از علما می‌توان قول به وجوب فی الجمله زیارت حضرت را استفاده کرد. این نظریه از تاکید ائمه: بر آن نشئت می‌گیرد؛ به گونه‌ای که مرحوم صاحب وسائل، در ابواب مختلف کتاب خود از جمله «بَابُ وَجُوبِ زِيَارَةِ الْحُسَيْنِ وَالْأُئِمَّةِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى شِبَعِيَّتِهِمْ كِفَايَةً»، «بَابُ تَأْكَدِ اسْتِحْبَابِ زِيَارَةِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَجُوبِهَا كِفَايَةً»، «بَابُ كَرَاهَةِ تَرْكِ زِيَارَةِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ» و ابواب دیگر، این روایات را نقل کرده است که مضمون آنها بدین شرح است: زیارت حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام بر هر مومنی فرض و واجب است، بر مردان و زنان لازم است، هر کس زیارت حضرت را ترک کند، حقی از خدا و رسولش را کنار گذاشته است، ترک زیارت وی موجب می‌شود شخص عاق رسول خدا (ص) شود، و نشانه نقص در دین و ایمان اوست، بر افراد غنی و ثروتمند لازم است که در طول سال دو بار و افراد فقیر و نیازمند در طول سال یکبار به زیارت حضرت بروند، اگر یک سال بگذرد و شخص به زیارتش نرود، یکسال از عمرش کاسته می‌شود، زیارتش باعث طولانی‌تر شدن عمر است و ایام زیارتش جزو عمر شخص حساب نمی‌شود، زیارتش غم و غصه را برطرف می‌کند و گناهان را می‌ریزد و برای هر قدمی که در راه زیارتش برداشته می‌شود، یک حج مقبول برای زائر است و برای هر زیارت ثواب هزار حج و ثواب آزاد کردن هزار برده و تجهیز هزار اسب در راه خداست. برای هر درهمی که در راه زیارتش صرف می‌شود، ثواب انفاق ده هزار درهم به او داده می‌شود. تمام گناهان گذشته

و آینده زائر با معرفتش بخشوده می‌شود و زائر حضرت همچون زائر خدا در عرش است و در کنار قبر مطهر حضرت چهار هزار یا هفتاد هزار فرشته مستقرند که از زمان شهادت تا وقتی که خدا بخواهد بر حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام درود می‌فرستند و برای زائران ایشان دعا می‌کنند.

با دقت در سند و دلالت روایات و با توجه به اعراض مشهور از نظریه وجوب، بایسته است این روایات را به تناسب بر یکی از سه وجه زیر حمل کنیم:

۱. از آنجا که استفاده از الفاظ وجوب در موارد استحباب مؤکد امری رایج است، این روایات بر استحباب مؤکد حمل می‌شوند.

۲. تاکیدات فراوان بر زیارت امام حسین علیه السلام و روایاتی که ترک زیارت را مستحق عذاب دانسته‌اند - که ظهور در حرمت ترک دارند - مربوط به کسانی است که از روی استخفاف و سبک شمردن زیارت حضرت، آن را ترک می‌کنند، که حرمت آن از مسلمات است.

۳. روایاتی که شبهه وجوب زیارت و حرمت ترک آن را دارند، درباره ترک زیارت توسط همه شیعیان و خالی شدن حرم حضرت از زوار است؛ شاهد این ادعا عنوان بابی است که صاحب وسائل مطرح کرده (بَابُ وُجُوبِ زِيَارَةِ الْحُسَيْنِ وَ الْأُئِمَّةِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى شِيعَتِهِمْ كِفَايَةً) و همچنین فتوای برخی از فقها مبنی بر حرمت خالی گذاشتن خانه خدا و حرم نبوی ۹ است، که لازمه‌اش سست شدن یکی از مستحبات مؤکد است و این حکم در مورد حرم حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام نیز جریان دارد. در حال، زیارت حضرت در ایام مخصوصی از سال، دارای فضیلت و ثواب بیشتری است. هدف این مقاله بررسی این مطلب است که آیا ایام اربعین سرور و سالار شهیدان نیز جزو همین ایام مخصوص است یا خیر؟ شیعیان و دوستداران اهل بیت علیه السلام در ایام اربعین از شهرهای گوناگون، به‌ویژه نجف به سمت کربلا پیاده‌روی می‌کنند. این حرکت عظیم را، که آثار فراوان و برکات بی‌شمار معنوی دارد، می‌توان از ابعاد مختلف اجتماعی، سیاسی، جامعه‌شناسی، تاریخی و... مورد توجه قرار داد. صحنه‌هایی در خلال این کنگره بزرگ به وجود می‌آید، که در هیچ جای دیگر نمی‌توان امثال آن را مشاهده کرد. رهبر معظم انقلاب درباره اهمیت پاسداشت و بزرگداشت روز اربعین حسینی چنین بیان می‌کنند: «شروع جاذبه مغناطیسی حسینی در روز اربعین است، جابرین عبدالله را از مدینه بلند می‌کند و به کربلا می‌کشند، این همان مغناطیسی است که امروز هم با گذشت قرن‌های متمادی در دل من و شما هست».

بنابراین، تحلیل فقهی مساله اهمیت فراوانی دارد. این رویداد عظیم و بی‌نظیر و میلیونی، که اخیراً به‌عنوان بزرگترین اجتماع بشری تاریخ ثبت شده است، دارای پیشینه‌ای تاریخی است، که پژوهشگران در کتاب‌ها و مقالات مختلف، ابعاد تاریخی آن را مورد بررسی قرار داده‌اند. درباره اربعین کتاب‌ها و مقالات فراوانی نگاشته شده است، و ابعاد مختلف این قضیه، به‌ویژه اختلافات تاریخی بزرگان در مورد رخدادهای اربعین اول شهادت امام حسین علیه السلام در سال ۶۱ هجری مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. در مورد منشأ تاریخی زیارت اربعین، مشهور علما معتقدند بازگشت اسرا از شام به کربلا و تدفین سرهای مقدس و ملحق کردن آنها به ابدان مطهر شهدا و زیارت جابر بن عبدالله انصاری و عطیه عوفی در اربعین اول رخ داده است، در مقابل عده‌ای از متأخرین، در برخی از این موارد تردید کرده‌اند و برخی از معاصرین نیز به اشکالات مطرح شده پاسخ داده‌اند. جدای از مباحث تاریخی و اثبات نظریه حق، هدف ما در این مقاله بررسی فقهی مراسم اربعین است؛ از این‌رو، بایسته است در مبحث نخست از دیدگاه فقهی حکم اصل زیارت اربعین با بررسی تک تک ادله‌ای که می‌تواند فضیلت و رجحان بزرگداشت مراسم اربعین را اثبات کند، مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد، سپس در مبحث دوم حکم پیاده‌روی

در زیارت امام حسین علیه السلام از دیدگاه آیات و روایات بررسی شود و در پایان (مبحث سوم) حکم پیاده‌روی اربعین بیان گردد.
مبحث اول: حکم اصل زیارت اربعین

قبل از بیان ادله خاص زیارت اربعین، تذکر این نکته لازم است که همانطور که در مقدمه بیان شد رجحان و استحباب موکد اصل زیارت امام حسین علیه السلام از مسلمات است و زیارت اربعین نیز به‌عنوان یکی از افراد این عام بوده و تردیدی در رجحان آن نیست، اما هدف، اثبات رجحان خاص برای روز اربعین است؛ به همین خاطر ادله خاص استحباب زیارت اربعین مورد بررسی قرار می‌گیرد.

دلیل اول: سیره استدلال به سیره به دو روش امکان‌پذیر است:

۱- سیره معصومین: بر فرض صحت زیارت اربعین اسرای کربلا، - حال چه در همان سال و یا همانطور که برخی معتقدند در سال بعد - از آنجا که در میان اسراء، امام زین العابدین علیه السلام نیز حضور داشته، می‌توان از فعل حضرت، رجحان زیارت اربعین را استفاده کرد. ممکن است کسی در اصل ورود اسرا به کربلا در روز اربعین تردید کند و یا انجام یک باره فعل را تنها دال بر جواز، و نه استحباب و رجحان بدانند؛ زیرا خانواده شهدا بسیار آسیب دیده بودند و احتمال می‌دانند اگر از این سفر رهایی یابند، دیگر امکان زیارت نباشد؛ بنابراین، احتمال شخصیه بودن واقعه وجود دارد.

۲- سیره متشرعه شیعیان مخلص و دوستداران حضرت ابوالفضل علیه السلام، که در میان آنها فقها و بزرگان نیز حضور داشتند، از دیرباز به زیارت اربعین می‌رفتند، زیارت جابر بن عبدالله انصاری، چه در همان سال اول و چه در سال‌های بعد، می‌تواند اولین نمونه از این سیره باشد، که بی‌شک از رسول مکرم صلی الله و اهل بیت علیه السلام نشأت گرفته است. این سیره، که متصل به زمان معصومین علیه السلام است، با وجود تمام سخت‌گیری‌های ظالمان و رکود و صعودهای تاریخی، نسل به نسل تا به امروز استمرار داشته است.

دلیل دوم: روایات مرحوم صاحب وسائل در این زمینه بابتی با عنوان «بَابُ تَأْكِدِ اسْتِحْبَابِ زِيَارَةِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَ الْأَرْبَعِينَ مِنْ مَقْتَلِهِ وَ هُوَ يَوْمُ الْعِشْرِينَ مِنْ صَفَرٍ» در کتاب خود آورده و در ضمن آن سه روایت مطرح می‌کند، که باید هر سه روایت مورد بررسی سندی و دلالتی قرار گیرد. روایت اول: مرسله امام حسن عسکری علیه السلام: رَوَى عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الْعَسْكَرِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ عَلَامَاتُ الْمُؤْمِنِينَ خَمْسٌ صَلَاةُ الْإِحْدَى وَالْخَمْسِينَ وَ زِيَارَةُ الْأَرْبَعِينَ وَ التَّخْتُّمُ فِي الْيَمِينِ وَ تَغْفِيرُ الْجَبِينِ وَ الْجَهْرُ بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؛ امام حسن عسکری علیه السلام می‌فرماید: نشانه‌های مومن پنج‌تاست: پنجاه و یک رکعت نماز، زیارت اربعین، انگشتر به دست راست انداختن، سجده بر خاک و بسم الله الرحمن الرحيم را بلند گفتن. بررسی سند روایت این روایت مرسله است و همین که مرحوم ابن قولویه این روایت را در کامل زیارت، که کتاب جامع روایات مربوط به زیارت امام حسین علیه السلام است مطرح نکرده، شک و تردید در مورد صحت روایت را بیشتر می‌کند. البته راه‌هایی برای تصحیح سند وجود دارد:

راه حل اول: شهرت روایت شهرت روایت جابر ضعف سند است. همانطور که اعراض مشهور از یک روایت، موجب وهن آن می‌باشد؛ هرچند برخی در کبرای استدلال خدشه کرده و بر این باورند که همان‌گونه که اعراض مشهور از یک روایت نیز در صحت سند یا دلالت آن خدشه‌ای وارد نمی‌سازد، شهرت نیز ضعف سند و دلالت را جبران نمی‌کند، اما واضح است که این بحث، اصولی است و در جای خود

ثابت شده که عمل مشهور به یک روایت، جبران ضعف سند آن می‌کند و همچنین اعراض مشهور از یک روایت، با وجود مبانی مختلف آنان، موجب وهن آن روایت است.

اشکال

شهرت بر سه نوع است: ۱. شهرت فتوایی: این شهرت مربوط به روایت نیست و مضمونی مورد افتای مشهور است، بدون آنکه روایتی در کار باشد. برخی فتوای مشهور را همچون اجماع حجت می‌دانند. ۲. شهرت روایی: اگر یک روایت در کتب متعدد نقل شود و مشهور روات آن را در کتب روایی خود بیاورند. این شهرت در تعارض به‌عنوان یکی از مرجحات مطرح است و از آن به شهرت روایی تعبیر می‌شود. ۳. شهرت عملی: شهرتی است که مشهور مطابق یک روایت عمل کنند. این شهرت جابر ضعف سند روایت است. هرچند برخی از فقها در مورد فتوا به استحباب زیارت اربعین و بقیه مضامین روایت به روایت محل بحث، استناد کرده‌اند، اما مشکل اینجاست که درباره مضامین دیگر، قطعاً روایات استفاضه دارد و شرط جبران ضعف سند، اثبات استناد به صرف یک روایت ضعیف است و در مورد زیارت اربعین، شاید فقها با توجه به ادله دیگر، همچون تسامح در ادله سنن، استحباب را پذیرفته‌اند. افزون‌براین، شهرت ادعایی تنها در میان متاخرین جریان دارد و آنچه مفید است، اثبات شهرت میان قدماست؛ بنابراین، شهرت ادعایی نیز نمی‌تواند ضعف سند روایت را جبران بکند.

راه حل دوم: تسامح در ادله سنن

با توجه به روایات مستفیضه من بلغ، در اعمال عبادی مستحب، ضعف سند مانعی از اثبات استحباب نیست و طبق نظر مشهور در ادله سنن و مستحبات تسامح می‌شود. اشکال فقها از این روایات، دو برداشت متفاوت دارند؛ تعدادی از فقها معتقدند با توجه به این روایات، استحباب اعمال با روایات ضعیف‌السند نیز اثبات می‌شود، زیرا استحباب چیزی غیر از استحقاق ثواب نیست، که با این روایات استحقاق ثواب اثبات می‌شود؛ در مقابل تعداد دیگری از فقها بر این باورند که این روایات استحباب عمل و استحقاق ثواب را ثابت نمی‌کند، بلکه تنها به خاطر حسن فاعلی مکلف و امتثال دستور رسول خدا و اهل بیت علیه‌السلام و از باب تفضل الهی ثواب برای او ثابت است. عبارتهایی همچون «طلب قول النبی» در روایات باب، که انگیزه مکلف در اتیان عمل را بیان می‌کند، می‌تواند موید نظریه دوم باشد؛ بنابراین، شخص با انجام عمل مطابق روایت ضعیف، تنها مستحق ثواب است و به اصطلاح حسن فاعلی دارد، نه اینکه فعل استحباب و رجحان و حسن فعلی یابد.

راه حل سوم: ابن‌مشهدی در مزار خود روایت را با سند ذکر کرده است

و بِالْإِسْنَادِ عَنْ أَبِي هَاشِمٍ الْجَعْفَرِيِّ عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْعَسْكَرِيِّ^۸ أَنَّهُ قَالَ: عَلَّامَاتُ الْمُؤْمِنِ خَمْسٌ... . أولاً مرحوم ابن‌مشهدی در ابتدای کتب سند خود را چنین نقل می‌کند: أَخْبَرَنِي الشَّيْخَانِ الْجَلِيلَانِ الْعَالِمَانِ أَبُو مُحَمَّدٍ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ الدُّورِيِّسْتِيُّ وَ أَبُو الْفَضْلِ شَادَانَ بْنِ جَبْرِئِيلَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، قَالَا: حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الصَّدُوقُ، عَنْ جَدِّهِ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ الشَّيْخِ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ بَابُوَيْهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: أَخْبَرَنِي أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ، قَالَ: حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ... . بنابراین در روایت محل بحث هم که فرموده: «و بِالْإِسْنَادِ عَنْ أَبِي هَاشِمٍ الْجَعْفَرِيِّ» ظاهراً سند اول نیز در ابتدای این سند قرار می‌گیرد و مشکل حل شده و روایت از نظر سندی معتبر خواهد بود؛ زیرا سند اول کتاب صحیح است و ابوهاشم جعفری، نیز همان داود بن قاسم جعفری ثقة است، که از زمان امام رضا علیه‌السلام تا زمان حضرت حجت عج زنده بوده و از همه ائمه این زمان روایت نقل کرده است. ثانیاً ایشان در مقدمه کتاب می‌نویسد: أَمَا بَعْدُ، فَإِنِّي قَدْ جَمَعْتُ فِي كِتَابِي هَذَا مِنْ فُنُونِ الزِّيَارَاتِ لِلْمَشَاهِدِ الْمُشْرِقَاتِ، وَ مَا وَرَدَ فِي التَّرْغِيبِ فِي الْمَسَاجِدِ الْمُبَارَكَاتِ وَ الْأَدْعِيَةِ الْمُخْتَارَاتِ، وَ مَا

يُدْعَى بِهِ عَقِيبَ الصَّلَوَاتِ، وَ مَا يُنَاجَى بِهِ الْقَدِيمُ تَعَالَى مِنْ لَدِيدِ الدَّعَوَاتِ فِي الْخَلَوَاتِ، وَ مَا يُلْجَأُ إِلَيْهِ مِنَ الْأُدْعِيَةِ عِنْدَ الْمُهِمَّاتِ، مِمَّا اتَّصَلَتْ بِهِ مِنْ ثِقَاتِ الرَّوَاةِ إِلَى السَّادَاتِ». با توجه به این مقدمه مشخص می‌شود همه اساتید ایشان (با تنها اساتید بلاواسطه و یا همه اساتید تا امام معصوم علیه السلام) ثقه هستند. البته برخی اثبات کتاب و انتساب کتاب موجود - و بالتبع مقدمه آن - به ابن مشهدی را مشکل می‌دانند؛ به قرینه اینکه شیخ حر عاملی این کتاب را در خاتمه وسائل جزو مصادر ثانویه و کتبی که به دست او نرسیده، دانسته است. پس انتساب کتاب موجود به ابن مشهدی قابل اثبات نیست؛ مگر اینکه بگوییم نرسیدن کتاب به دست صاحب وسائل دلیل بر عدم اعتبار آن نیست. در هر حال بر فرض ثبوت اصل کتاب، سند روایت را می‌توان با این راه حل تصحیح کرد.

بررسی دلالت روایت

بر فرض ثبوت سندی روایت، در دلالت آن بر استحباب و فضیلت زیارت اربعین تردیدی نخواهد بود؛ چراکه در این روایت زیارت اربعین در کنار دیگر ویژگی‌های خاص مومن، - که در اینجا مقصود شیعه است - از علامات شیعه دانسته شده است. بنابراین استحباب و فضیلت خاص آن اثبات می‌شود.

روایت دوم: روایت صفوان

أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ هَارُونَ بْنِ مُوسَى بْنِ أَحْمَدَ التَّلَعُكَبَرِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ مَعْمَرٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ مَسْعَدَةَ وَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ مِهْرَانَ الْجَمَّالِ قَالَ: قَالَ لِي مَوْلَايَ الصَّادِقُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ فِي زِيَارَةِ الْأَرْبَعِينَ تَزُورُ عِنْدَ ارْتِفَاعِ النَّهَارِ وَ تَقُولُ: السَّلَامُ عَلَيَّ وَ لِيَّ اللَّهُ وَ حَبِيبِهِ ... صفوان بن مهران می‌گوید: مولایم امام جعفر صادق علیه السلام در مورد زیارت اربعین هنگام بالا آمدن روز فرمود: چنین بگو: سلام بر تو ای ولی و حبیب خدا...

بررسی سند روایت

روایت به خاطر وجود افرادی همچون محمد بن علی بن معمر و علی بن محمد بن مسعده که توثیق خاص ندارند، از نظر سندی ضعیف است.

بررسی دلالت روایت

این روایت نیز بر فرض ثبوت سند، دلالتی قوی بر استحباب زیارت اربعین دارد؛ چراکه امام صادق علیه السلام زیارتی مخصوص برای روز اربعین به راوی آموخته‌اند. روایت سوم: و فِي يَوْمِ الْعِشْرِينَ مِنْ صَفَرٍ كَانَ رُجُوعُ حَرَمِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامِ مِنَ الشَّامِ إِلَى مَدِينَةِ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ وَ هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي وَرَدَ فِيهِ جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ إِلَى زِيَارَةِ الْحُسَيْنِ ۷ وَ هُوَ أَوَّلُ مَنْ زَارَهُ مِنَ النَّاسِ. روز بیست صفر روز بازگشت حرم امام حسین علیه السلام از شام به مدینه است و در همین روز جابر به زیارت امام حسین علیه السلام وارد شد و وی اولین زائر حضرت است.

بررسی دلالت روایت

این روایت، در واقع نقل واقعه تاریخی به وسیله شیخ طوسی است که در مقدمه اشاره شد که این بحث مورد اختلاف مورخان است و از

محل بحث ما خارج است؛ بنابراین؛ این روایت در واقع روایت اصطلاحی نیست تا بتواند ادعای ما را اثبات کند. نتیجه اینکه با توجه به تمامیت برخی از ادله، اصل فضیلت و استحباب زیارت اربعین به نحو خاص اثبات شده است. مبحث دوم: حکم پیاده‌روی در زیارت امام حسین علیه السلام در این مبحث حکم پیاده‌روی در زیارت امام حسین علیه السلام مورد بررسی قرار گرفته است؛ اساساً آیا با وجود وسائل نقلیه پیشرفته، پیاده رفتن به زیارت حضرت ثوابش بیشتر از زیارتی است که سواره صورت گیرد؟ برای یافتن پاسخ این سؤال بایستی تک تک ادله‌ای که ممکن است برای اثبات این فضیلت اقامه شود مورد بررسی قرار گیرد.

دلیل اول: آیه قرآن (مَا كَانَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ وَمَنْ حَوْلَهُمْ مِنَ الْأَعْرَابِ أَنْ يَتَخَلَّفُوا عَنْ رَسُولِ اللَّهِ وَلَا يَرْغَبُوا بِأَنْفُسِهِمْ عَنْ نَفْسِهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ لَا يُصِيبُهُمْ ظَمَأٌ وَلَا نَصَبٌ وَلَا مَخْمَصَةٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَطْئُونَ مَوْطِئًا يَغِيظُ الْكُفَّارَ وَلَا يَنَالُونَ مِنْ عَدُوِّ نَبَأًا إِلَّا كَتَبَ لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ). مردم مدینه و بادیه‌نشینان پیرامونشان را نرسد که از [فرمان] پیامبر خدا سر باز زنند و جان خود را عزیزتر از جان او بدانند، چرا که هیچ تشنگی و رنج و گرسنگی در راه خدا به آنان نمی‌رسد؛ و در هیچ مکانی که کافران را به خشم می‌آورد قدم نمی‌گذارند و از دشمنی غنیمتی به دست نمی‌آورند مگر اینکه به سبب آن، عمل صالحی برای آنان [در کارنامه‌شان] نوشته می‌شود، زیرا خدا پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌کند.

تقریب استدلال

بی‌گمان پیاده‌روی برای زیارت امام حسین علیه السلام مستلزم تشنگی و رنج و گرسنگی بیشتری است؛ بنابراین، براساس آیه شریفه دارای فضیلت بیشتری است؛ افزون بر این عبارت «وَلَا يَطْئُونَ مَوْطِئًا» در قدم برداشتن و پیاده رفتن ظهور دارد.

دلیل دوم: روایات خاص

مرحوم ابن قولویه در کامل الزیارات، که معتبرترین کتاب روایی در زمینه زیارت است، بابی با عنوان «ثواب من زار الحسين ع راکباً أو ماشياً و مناجاة الله لذاته» مطرح کرده و در آن ۱۰ روایت ذکر کرده، که به دلیل کثرت مضمون و استفاضه آن، از ذکر سند روایات صرف نظر کرده و تنها به آوردن متن برخی از روایاتی که مربوط به ثواب زیارت با پای پیاده است، بسنده می‌کنیم. ۱. عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ ثَوْبَرِ بْنِ أَبِي فَاخِتَةَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا حُسَيْنُ مَنْ خَرَجَ مِنْ مَنْزِلِهِ يُرِيدُ زِيَارَةَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ إِنْ كَانَ مَاشِيًا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَسَنَةً وَ مَحَى عَنْهُ سَيِّئَةٌ؛ «امام صادق علیه السلام به حسین بن ثویر فرمودند: ای حسین! کسی که از منزلش بیرون آید و قصدش زیارت قبر حضرت حسین بن علی باشد اگر پیاده رود خداوند متان به هر قدمی که برمی‌دارد یک حسنه برایش نوشته و یک گناه از او محو می‌فرماید». ۲. عَنْ بَشِيرِ الدَّهَّانِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنْ الرَّجُلَ لِيَخْرُجُ إِلَى قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَلَهُ إِذَا خَرَجَ مِنْ أَهْلِهِ بِأَوَّلِ خُطْوَةٍ مَغْفِرَةٌ ذُنُوبِهِ ثُمَّ لَمْ يَزَلْ يُقَدِّسُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَتَّى يَأْتِيَهُ فَإِذَا أَنَا نَاجَاهُ اللَّهُ تَعَالَى فَقَالَ عَبْدِي سَلْنِي أُعْطِكَ ادْعُنِي أَجِبَكَ ااطْلُبْ مِنِّي أُعْطِكَ سَلْنِي حَاجَةً أَقْضِيهَا [أَقْضِيهَا] لَكَ؛ «امام صادق علیه السلام می‌فرماید: وقتی مردی برای زیارت امام حسین علیه السلام از منزلش خارج می‌شود، در اولین قدمی که برمی‌دارد، از تمام گناهانش خارج می‌شود و با هر قدم، تقدس می‌یابد، تا اینکه به حرم می‌رسد، وقتی رسید، خداوند متعال او را خطاب می‌کند: بنده من! از من [حاجتت] را بخواه، تا به تو عنایت کنم و دعا کن تا اجابت نمایم و خواسته‌ای بخواه تا برآورده کنم». ۳. عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ شِيعَتِنَا لَمْ يَرْجِعْ حَتَّى يُغْفَرَ لَهُ كُلُّ ذَنْبٍ وَ يُكْتَبَ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ خَطَايَا وَ كُلِّ يَدٍ رَفَعْتَهَا دَابَّتْهُ أَلْفٌ حَسَنَةً وَ مَجَى عَنْهُ أَلْفٌ سَيِّئَةٌ وَ تَرَفَّعَ لَهُ أَلْفٌ دَرَجَةً؛ «امام صادق علیه السلام می‌فرماید: هر کس از شیعیان ما امام حسین علیه السلام را زیارت کند، بر نمی‌گردد مگر آنکه همه گناهانش بخشیده می‌شود. به هر قدمی که برداشته و یا مرکبش پا گذاشته، هزار حسنه نوشته می‌شود و هزار گناه از او

بخشیده می‌شود و هزار درجه بالا می‌رود.»

بررسی دلالت روایات

این روایات، که با بیان‌های متفاوت ثواب‌های عظیمی برای هر قدم زائر حضرت امام حسین علیه السلام مطرح می‌کند، به روشنی استحباب پیاده‌روی در راه زیارت و فضیلت آن بر سواره رفتن را اثبات می‌کند.

اشکال

درست است که این روایات ثواب و فضیلت فراوانی برای کسی که پیاده به زیارت امام حسین علیه السلام برود مطرح کرده‌اند، اما مشکل اینجاست که بیشتر این روایات در مقام بیان اصل فضیلت زیارت هستند؛ چراکه هم ثواب زائر پیاده را مطرح کرده‌اند که به هر قدمی که بر می‌دارد، فلان مقدار ثواب کسب می‌کند و هم ثواب زائر سواره را که به هر قدمی که مرکبش بر می‌دارد، فلان مقدار ثواب برای زائر نوشته می‌شود؛ به‌ویژه در روایت سوم، که در آن ثواب هر قدم خود زائر و هر قدمی که مرکبش برمی‌دارد به یک اندازه دانسته شده است؛ بنابراین، نمی‌توان با استناد به این روایات، ثواب بیشتری برای زائر پیاده اثبات کرد؛ افزون بر این، عنوان بایی که مرحوم ابن قولویه مطرح کرده (ثواب من زار الحسین ع را کبا أو ماشیا)، که پیاده و سواره را کنار هم آورده، موید ادعای ماست. دلیل سوم: استدلال به فضیلت پیاده‌روی برای زیارت سایر ائمه علیه السلام برهنگی پا از آداب زیارت برخی معصومان: شمرده شده است. پا برهنه بودن ملازم با پیاده رفتن است. بنابراین، افضلیت پیاده‌روی نیز بالملازمه ثابت می‌شود. در برخی از روایات، ثواب‌هایی برای پیاده‌روی در راه زیارت برخی از ائمه علیه السلام مطرح شده است، که به‌عنوان نمونه به برخی از روایات اشاره می‌شود.

روایت اول

حسین بن اسماعیل صیمری از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: مَنْ زَارَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَاشِياً كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَجَّةً وَ عُمْرَةً فَإِنْ رَجَعَ مَاشِياً كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَجَّتَيْنِ وَ عُمْرَتَيْنِ. هر کسی پیاده به زیارت امیر مؤمنان (علی بن ابی طالب) علیه السلام برود، با هر قدمی، خداوند یک حج و یک عمره می‌نویسد و اگر پیاده بازگردد، خداوند با هر قدمی دو حج و دو عمره برایش نوشته است.

روایت دوم

در محضر مبارک امام صادق علیه السلام نام امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام برده شد. شخصی به نام «ابن مارد» از حضرت پرسید: یا ابا عبد الله! کسی که جدتان امیر مؤمنان علیه السلام را زیارت کند، چه ثوابی خواهد گرفت؟ امام صادق علیه السلام فرمود: یا ابْنِ مَارِدٍ! زَارَ جَدِّي عَارِفاً بِحَقِّهِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَجَّةً مَقْبُولَةً وَ عُمْرَةً مَقْبُولَةً (مَبْرُورَةً)، والله يا ابْنِ مَارِدٍ ما يَطْعِمُ الله النَّارَ قَدَمًا اغْتَبَّرْتُ فِي زِيَارَةِ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَاشِياً كَانُوا رَاكِباً، یا ابْنِ مَارِدٍ اَكْتُبُ هَذَا الْحَدِيثَ بِمَاءِ الذَّهَبِ. ای پسر مارد! کسی که جدم را در حالی که حقش را می‌شناسد زیارت کند، خداوند به ازای هر قدمی که برمی‌دارد، یک حج و عمره مقبول برایش می‌نویسد. ای پسر مارد! به خدا سوگند، آتش را خداوند بر قدم‌هایی که در راه زیارت امیر مؤمنان علیه السلام غبار آلود شده باشد، مسلط نمی‌گرداند؛ چه پیاده آمده باشد، چه سواره. ای پسر مارد! این حدیث را با آب طلا بنویس.

روایت سوم

صفوان جمّال می‌گوید: در سفری به همراه امام صادق علیه السلام وارد کوفه شدید؛ حضرت فرمود: «ای صفوان! بگو کاروان بایستند؛ اینجا قبر جدم امیر مؤمنان علیه السلام است». شتر حضرت را خواباندم؛ ایشان پایین آمده و غسل کردند و لباس‌هایشان را تعویض فرمودند؛

پس کفش‌های خود را قبل از حرکت از پای درآوردند و به من فرمودند: «هر آنچه را انجام می‌دهم، تو نیز تکرار کن». پس به طرف تپه‌های سفید رنگی حرکت کردند و به من فرمودند: قَصْرُ خُطَاكِ و أَلْقِ ذَفْنَكَ نَحْوَ الْأَرْضِ فَأَنْتَ يَكْتَبُ لَكَ بِكُلِّ خَطْوَةٍ مِائَةَ أَلْفِ حَسَنَةٍ و يَمْسِي عَنْكَ مِائَةُ أَلْفِ سَيِّئَةٍ و تُرْفَعُ لَكَ مِائَةُ أَلْفِ دَرَجَةٍ و تُقْضَى لَكَ مِائَةُ أَلْفِ حَاجَةٍ و يَكْتَبُ لَكَ ثَوَابُ كُلِّ صَدِيقٍ و شَهِيدٍ مَاتَ أَوْ قُتِلَ ثُمَّ مَشَى و مَشَيْتَ مَعَهُ و عَلَيْنَا السَّكِينَةُ وَالْوَقَارُ... قدم‌هایت را کوتاه بردار و سرت را پایین بیاورد، به درستی که با هر قدمی، صد هزار حسنه برایت نوشته می‌شود و صد هزار گناه پاک می‌گردد و رتبهات صد هزار درجه بالا می‌رود و ثواب هر صدیق و شهیدی که کشته شده یا از دنیا رفته، برایت نوشته می‌شود. سپس حضرت پیاده حرکت کردند و من نیز پیاده حرکت کردم و آرامش سنگینی بر ما حاکم بود.

اشکال بر همه روایات

همان اشکالی که در ذیل دلیل اول مطرح شد، در اینجا نیز جریان دارد؛ یعنی روایات در مقام بیان اصل ثواب زیارت هستند و ناظر به افضلیت پیاده بر سواره نیستند.

پاسخ

هرچند این اشکال بر روایت دوم وارد است، اما در مورد روایت اول و آخر وارد نیست؛ چراکه حضرت در روایت اول می‌فرماید: «و اگر پیاده بازگردد، خداوند با هر قدمی دو حج و دو عمره برایش نوشته است». پس مشخص می‌شود پیاده رفتن ثواب بیشتری نسبت به سواره رفتن دارد. در روایت آخر نیز وقتی صحبت از کوتاه کردن قدم هاست، مشخص می‌شود روایت کاملاً ناظر به کمیت قدم‌هاست و این ملازم با افضلیت پیاده‌روی است. بنابراین نمی‌توان گفت: روایات در مقام بیان ثواب اصل زیارت هستند و با این روایات نیز می‌توان افضلیت پیاده‌روی بر سواره رفتن را، در زیارت امیر المؤمنین و بالتبع سایر ائمه: اثبات کرد؛ چراکه خصوصیتی از این جهت برای حضرت امیر نیست.

دلیل چهارم: استدلال به فضیلت پیاده‌روی برای حج

در قرآن کریم (يَأْتُونَكَ رِجَالًا وَّ عَلَى كُلِّ مَنْرٍ)، از حج پیاده «رجالاً» در برابر حج سواره «و علی کل منر»؛ «سوار بر شتران باریک‌اندام [چالاک]» یاد شده است. برخی از مفسران تقدم آن را بر حج سواره، در این آیه، دلیل اهمیت و برتری آن بر حج سواره دانسته‌اند. در احادیث نیز به فضیلت حج پیاده تصریح شده است. در روایات پیاده‌روی به سوی کعبه، محبوب‌ترین عبادت نزد خداوند خوانده شده و پاداشی بزرگ برای حج پیاده ذکر شده است. متون حدیثی و تفسیری، از حج پیاده حضرت آدم علیه السلام به صورت مکرر و با اعداد گوناگون ۳۰، ۷۰ و ۱۰۰۰ و نیز از حج پیاده حضرت ابراهیم و حضرت اسماعیل گزارش داده‌اند. بنابر روایتی از ابن عباس، حواریون عیسی در سفر حجه‌شان، هنگامی که به حرم رسیدند، به احترام آن پیاده‌روی کردند. بر پایه برخی روایات، پیامبر اکرم صلی الله و صحابه نیز مسیر مدینه تا مکه را پیاده طی کردند. منابع حدیثی شیعه و اهل سنت از سفرهای متعدد حج امام حسن مجتبی علیه السلام ۲۰ تا ۲۵ بار با پای پیاده و گاه با پای برهنه حکایت دارند. درباره امام حسین علیه السلام نیز گزارش‌هایی مشابه وجود دارد. بنابر منابع تاریخی و حدیثی امام سجاد علیه السلام هم مسیر میان مکه و مدینه را با پای پیاده در مدت ۲۰ روز می‌پیموده است. در روایتی از پیامبر اکرم برتری پیادگان در حج بر سواران، به برتری ماه شب چهارده بر ستارگان تشبیه شده است. نقل شده که امام صادق علیه السلام برای شماری از اصحاب خود که پیاده عازم مکه بودند، دعا فرمود. بر پایه روایات، امام زمان [نیز هر ساله با پای پیاده حج می‌گزارد. از حج پیاده برخی عالمان هم نمونه‌هایی گزارش شده است. بر پایه احادیث، برهنه بودن پا هنگام ورود به حرم و نیز در حال طواف، مشمول پاداش است و سیره معصومان نیز چنین بوده است. بنابر روایتی از پیامبر صلی الله، هفتاد تن از پیامبران الهی در حج‌گزاری خود به احترام حرم، مسیر ذی طوی تا مکه را با پای برهنه پیموده‌اند. برای نمونه به چند روایت در مورد فضیلت حج پیاده

اشاره می‌شود.

روایت اول

عن هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ قَالَ: دَخَلْنَا عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَا وَغُبَسَةُ بْنُ مُصْعَبٍ وَبِضْعَةُ عَشْرَ رَجُلًا مِنْ أَصْحَابِنَا فَقُلْنَا: جَعَلْنَا اللَّهُ فِدَاكَ أَيُّهُمَا أَفْضَلُ، الْمَشْيُ أَوْ الرُّكُوبُ؟ فَقَالَ: مَا عَبْدَ اللَّهِ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنَ الْمَشْيِ الْحَدِيثُ. هِشَامُ بْنُ سَالِمٍ مِي گويد: من و غنسه و بیش از ده نفر از شیعیان بر امام صادق وارد شدیم و گفتیم: خدا ما را فدای شما قرار دهد: کدام یک از این دو افضل است: پیاده‌روی یا سواره رفتن به زیارت؟ حضرت فرمود: خداوند متعال عبادت نشده است به کاری پر فضیلت تر از پیاده‌روی.

روایت دوم

رَوَى أَنَّهُ مَا تَقَرَّبَ الْعَبْدُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنَ الْمَشْيِ إِلَى بَيْتِهِ الْحَرَامِ عَلَى الْقَدَمَيْنِ، وَ أَنَّ الْحَجَّةَ الْوَاحِدَةَ تَعْدِلُ سَبْعِينَ حَجَّةً. وَ مَنْ مَشَى عَنْ جَمَلِهِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ ثَوَابَ مَا بَيْنَ مَشْيِهِ وَ رُكُوبِهِ. وَ الْحَاجُّ إِذَا انْقَطَعَ شِسْعُ نَعْلِهِ، كَتَبَ اللَّهُ لَهُ ثَوَابَ مَا بَيْنَ مَشْيِهِ حَافِيًا إِلَى مُنْتَعِلٍ. روایت شده است که بنده به خدا نزدیک نمی‌شود به چیزی دوست داشتنی تر از پای پیاده به خانه خدا رفتن، یک حج او ثواب هفتاد حج را دارد. و کسی که گاهی از شترش پیاده شود و در کنارش راه رود ثواب بین آن مقداری که پیاده رفته تا زمانی که سوار شده را به او می‌دهند، و حاجی اگر بند کفشش باز شود (یعنی کفشش از پایش دربیاید و مجبور شود پا برهنه برود) ثواب آن مقداری که پا برهنه رفته تا جایی که کفش پوشیده را جدا به او می‌دهند. روایت سوم

عن حلی قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن فضل المشي؟ فقال: إن الحسن بن علي قاسم ربه ثلاث مرات حتى نعلًا ونعلًا و ثوبًا و ثوبًا و دينارًا و دينارًا و حج عشرين حجة ماشياً على قدميه. حلی می‌گوید: از امام صادق از فضیلت پیاده به حج رفتن پرسیدم. حضرت فرمودند: همانا حسن بن علی علیه السلام سه مرتبه تمام دارائش را از کفش و پیراهن و پول، با خدا تقسیم کرد و بیست مرتبه با قدم‌های خودش پیاده به حج رفت. روایت چهارم: قال الصادق عليه السلام: ما عبد الله بشيءٍ مثل الصمت والمشي إلى بيته. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: خداوند به چیزی مانند سکوت و پای پیاده به سمت خانه‌اش رفتن، عبادت نشده است. روایت پنجم: قال الصادق عليه السلام: خرج الحسن بن علي عليه السلام إلى مكة ماشياً فورمت قدماً. فقال له بعض موالیه: لو ركبت لسكن عنك هذا الزوم. فقال: كلاً. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: یکسال امام حسن علیه السلام پیاده به سمت مکه رهسپار شدند، (در بین راه) پاهای حضرت ورم کرد. بعضی از دوستان حضرت به ایشان گفتند: اگر سوار بر مرکب شوید ورم پای شما آرام می‌شود. حضرت فرمودند: هرگز سوار نمی‌شوم. روایت ششم: قال الباقر عليه السلام: قال ابن عباس ما ندمت على شيء صنعت ندمي على أن لم أحج ماشياً، لاني سمعت رسول الله يقول: من حج بيت الله ماشياً كتب الله له سبعة آلاف حسنة من حسنات الحرم. قيل: يا رسول الله وما حسنات الحرم؟ قال: حسنة ألف حسنة، وقال: فضل المشاة في الحج كفضل القمر ليلة البدر على سائر النجوم، وكان الحسين بن علي عليه السلام يمشي إلى الحج ودايته تقاد وراهه. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: ابن عباس می‌گفت: در مورد هیچ چیز به اندازه اینکه با پای پیاده حج نرفتم پشیمان نشدم چراکه از رسول خدا شنیدم هر کس با پای پیاده به حج برود، خداوند ثواب هفت هزار حسنه از حسنات حرم را به او می‌دهد، از پیامبر صلی الله سوال شد: حسنات حرم چیست؟ حضرت فرمود: حسنه‌ای است که معادل یک میلیون حسنات دیگر می‌باشد. و در ادامه امام باقر علیه السلام فرمودند: فضیلت پیاده به حج رفتن بر سواره رفتن مثل فضیلت و برتری نور ماه شب چهارده است نسبت به باقی ستارگان، و امام حسین علیه السلام پیاده به حج می‌رفتند در حالی که مرکب ایشان در پشت سرشان حرکت می‌کرد.

تقریب استدلال

به تصریح روایاتی که مطرح شد، حج پیاده ثواب و فضیلتش به مراتب بیشتر از حج سواره است و وقتی ائمه اطهار علیه السلام با وجود

اینکه مرکبها در کنارشان حرکت می کرده، باز پیاده به حج مشرف می شدند، می توان این حکم را به زیارت ائمه اطهار علیه السلام، به ویژه زیارت حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام نیز سرایت داد و افضلیت زیارت پیاده بر سواره را اثبات کرد. دلیل پنجم: تواضع و تذلل بیشتر

همان طور که از برخی از روایات استفاده می شود که حکمت پا برهنگی هنگام زیارت، تواضع و خشوع در برابر خداوند است، این حکمت در اصل پیاده روی در راه زیارت نیز جریان دارد و همچنان که حج با پای برهنه از بارزترین نشانه های خضوع و تذلل در پیشگاه خداوند است و همچنین سفر حج، با پای پیاده، نمایانگر تواضع بنده و انقطاع او از مظاهر دنیا دانسته شده است، زیارت با پای پیاده و یا پای برهنه نیز می تواند همین گونه باشد. بی گمان تذلل بیشتر در برابر خداوند متعال، که از آداب زیارت است و فضیلت آن را بیشتر می کند، در زیارت با پای پیاده نمود پیدا می کند.

دلیل ششم: سیره متشرعه

از دیرباز بزرگان و علما با پای پیاده به زیارت حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام می رفتند، که به چند نمونه اشاره می شود: ۱. شیخ مرتضی انصاری از جمله احیاءکنندگان سنت پیاده روی برای زیارت امام حسین علیه السبود و خود ایشان نیز پیاده از نجف به کربلا می آمد. ۲. میرزا حسین نوری، صاحب موسوعه حدیثی «مستدرک الوسائل» در عید قربان هر سال به صورت پیاده به کربلا می آمد. ۳. سید مهدی بحر العلوم در دسته عزای «طوریح» که پیاده به کربلا می آمدند، حضوری پررنگ داشت. ۴. شیخ جعفر کاشف الغطاء در یکی از پیاده روی هایش به کربلا، به حضور حضرت ولی عصر [شرفیاب شد و حضرت ایشان را به سینه خویش چسبانده و فرموده است: «خوش آمدی ای زنده کننده شریعت ما». ۵. آیت الله مرعشی نجفی بیست بار پیاده به همراه تعدادی از طلاب که همه از مراجع و بزرگان شدند، به کربلا مشرف شد. ۶. آیت الله سید محمود شاهرودی بزرگ از جمله مراجعی بود که به مراسم پیاده روی اهتمام ویژه داشت. همچنین بزرگانی همچون: شهید سید اسدالله مدنی، حاج آقا مصطفی خمینی، سید محمدحسین طهرانی، سید احمد مستنبط، شیخ عباس قوچانی، شیخ حسن نجابت شیرازی، سید عبدالحسین دستغیب، شهید صدر اول و شهید صدر دوم در این پیاده روی شرکت می کردند. شهید صدر دوم (سید محمد صدر) حتی فتوا به وجوب پیاده روی به سوی حرم های امیر مؤمنان و سیدالشهداء علیه السلام را صادر کرد و با این فتوا به مبارزه با سیاست ضددینی حزب بعث رفت و در برخی از خطبه های جمعه اش در نجف اشرف بر این موضوع تأکید می کرد. با توجه به این سیره متشرعه، که در میان فقها و بزرگان نیز جریان داشته، بی تردید فضیلت و استحباب پیاده روی اربعین ثابت می شود.

اشکال

سیره ای حجیت شرعی دارد که متصل به زمان معصومین علیه السلام باشد و سیره ادعایی این چنین نیست. دلیل هفتم: استدلال به روایات «افضل الاعمال احمزها»

هرچند در منابع موجود روایی شیعی و حتی اهل سنت چنین تعبیری وارد نشده و تنها در برخی از کتب لغوی از ابن عباس به صورت مرفوع از رسول خدا صلی الله نقل شده (سئل رسول الله صلی الله علیه و آله: أی الأعمال أفضل؟ فقال: «أحمزها»)، اما مشابه این تعبیر در نهج البلاغه آمده است: «أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ مَا أُكْرِهَتْ نَفْسَكَ عَلَيْهِ»؛ البته شاید بتوان بین دو تعبیر فرق قائل شد؛ زیرا تعبیر احمزها، به خود عمل می خورد و سختی نفس عمل را می رساند، اما مقصود تعبیر دوم، سختی عمل برای مکلف است؛ افزون بر این، روایت، مورد استناد مشهور فقها قرار گرفته است و به نوعی شهرت عملی دارد و در نتیجه جبران ضعف سند روایت می شود. در هر حال در صورت صحت سند روایت، بی شک زیارتی که با پای پیاده انجام گیرد، سخت تر از زیارتی است که سواره محقق شود و در نتیجه ثوابش بیشتر

خواهد بود. نتیجه آنکه با توجه به تمامیت برخی از ادله مطرح شده، رجحان و افضلیت پیاده‌روی در زیارت امام حسین علیه السلام بر زیارت سواره ثابت می‌شود.

مبحث سوم: حکم پیاده‌روی اربعین

با توجه به تمامیت برخی از ادله مطرح شده در دو مبحث قبل، فضیلت اصل زیارت اربعین و فضیلت پیاده‌روی برای زیارت امام حسین علیه السلام اثبات گردید؛ در نتیجه حکم این مبحث نیز روش می‌شود و فضیلت پیاده‌روی اربعین اثبات می‌گردد؛ اما اگر هیچ یک از ادله پیشین برای اثبات فضیلت پیاده‌روی در راه زیارت حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام را نپذیریم، ادله دیگری در خصوص پیاده‌روی اربعین وجود دارد، که جزو عناوین ثانویه بوده و حکم ثانوی این حرکت عظیم را بیان می‌کند. دلیل اول: آیه قرآن (مَا كَانَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ وَمَنْ حَوْلَهُمْ مِنَ الْأَعْرَابِ أَنْ يَتَخَلَّفُوا عَنْ رَسُولِ اللَّهِ وَلَا يَرْغَبُوا بِأَنْفُسِهِمْ عَنْ نَفْسِهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ لَا يصيبُهُمْ ظَمَأٌ وَلَا نَصَبٌ وَلَا مَخْمَصَةٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَطْئُونَ مَوْطِئًا يَغِيظُ الْكُفَّارَ وَلَا يَنَالُونَ مِنْ عَدُوِّ نِيلاً إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ). مردم مدینه و بادیه‌نشینان پیرامونشان را نرسد که از [فرمان] پیامبر خدا سر باز زنند و جان خود را عزیزتر از جان او بدانند؛ چراکه هیچ تشنگی و رنج و گرسنگی در راه خدا به آنان نمی‌رسد؛ و در هیچ مکانی که کافران را به خشم می‌آورد قدم نمی‌گذارند و از دشمنی غنیمتی به دست نمی‌آورند مگر اینکه به سبب آن، عمل صالحی برای آنان [در کارنامه‌شان] نوشته می‌شود، زیرا خدا پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌کند.

تقریب استدلال

علاوه بر استناد به این آیه در مبحث پیش، می‌توان برای اثبات فضیلت خصوص پیاده‌روی اربعین نیز به قسمت دیگری از آیه استدلال کرد؛ زیرا پیاده‌روی اربعین بی‌گمان کافران را به خشم می‌آورد؛ بنابراین، براساس این آیه دارای رجحان و فضیلت جداگانه‌ای است.

دلیل دوم: تعظیم شعائر

این پیاده‌روی، به مرور زمان جزو شعائر مذهب شده است و خداند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: (وَمَنْ يُعْظِمِ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ)؛ «و هر کس شعائر دین خدا را بزرگ و محترم دارد این صفت دل‌های با تقواست». شعائر جمع شعیره به معنای دلیل و علامت است. شعائر الله اموری است که دلیل و نشانه بسوی خداست. صفا و مروه و مشعر هم، که در قرآن از شعائر الهی شمرده شده است، از جهت نشانه خدا بودن محترم است. پس راهپیمایی عظیم اربعین دارای فضیلت و ثوابی است و می‌توان به زائران حسینی، که سؤال می‌کنند: «سه روز پیاده‌روی از نجف تا کربلا فضیلتش بیشتر است و یا زیارت ائمه اطهار علیه السلام در عتبات مقدسه؟» شرکت در راهپیمایی میلیونی اربعین را توصیه کرد؛ چراکه این پیاده‌روی، تعظیم شعائری است که بر پایه آیات قرآن کریم دارای فضیلت بسیاری است؛ بنابراین، پیاده‌روی اربعین حسینی نیز محترم و تعظیم و بزرگداشت آن دارای رجحان و فضیلت است.

دلیل سوم: عزاداری برای سیدالشهداء عزای بر سیدالشهدا عنوان خاصی غیر از تعظیم شعائر است و پیاده‌روی اربعین مصداقی برای تعزیه بر ابا عبدالله است و عنوانی مستقل دارد؛ پس این پیاده‌روی از باب مصداقیت برای عزاداری نیز استحباب جداگانه‌ای می‌تواند داشته باشد.

دلیل چهارم: تبلیغ اسلام ناب محمدی صلی الله در زمان حاضر که داعش با اعمال وحشیانه خود، نمونه وارونه‌ای از اسلام را نشان می‌دهد؛ خط مقابل داعش، یعنی شیعیان با این پیاده‌روی، خط اسلام اصیل را که سلم و صلح و مداراست، به جهانیان معرفی می‌کنند؛ بنابراین، پیاده‌روی اربعین حرکت تبلیغی بوده که مورد توجه رسانه‌های جهانی است و می‌تواند از باب تبلیغ اسلام ناب محمدی نیز، استحباب و رجحان، بلکه ضرورت داشته باشد. بنابراین اگر هیچ یک از ادله استحباب پیاده‌روی در زیارت امام حسین علیه السلام تام

نباشد، با توجه به این ادله، می‌توان ادعا کرد که پیاده‌روی اربعین امروز به حکم ثانوی دارای فضیلت و رجحان بی‌بدیلی است، که می‌بایست از این فرصت عظیم به بهترین نحو بهره جست.

نتیجه نهایی

در بحث فقهی زیارت اربعین، پس از بررسی ادله مطرح شده در سه مبحث جداگانه، اصل رجحان و فضیلت زیارت اربعین با توجه به روایات و سیره اثبات شد و پس از آن، با ادله گوناگون رجحان و افضلیت پیاده‌روی در زیارت امام حسین علیه السلام بر زیارت سواره ثابت گردید و در پایان، بر فرض عدم تمامیت ادله در دو مبحث گذشته، به حکم ثانوی و از باب تعظیم شعائر، ایجاد خشم در دشمنان، مصداق عزاداری بر امام حسین علیه السلام و یا تبلیغ اسلام ناب، فضیلت و استحباب پیاده‌روی اربعین نیز اثبات گردید.